



مقدمه

تربیت عبارت است از شکوفا سازی استعدادها و جهت دهی آن به سوی کمال مطلوب. تربیت ضروری ترین نیاز انسان در زندگی است. انسان بدون تربیت صحیح ره به جایی نمی برد، نه از باغ زندگی خویش میوه شیرین می چیند و نه کام انسانهای دیگر را از ثمرات درخت وجود خود شیرین می کند؛ و بالاتر آنکه نه به درک معنای انسانیت نایل می آید و نه به فتح قله های رفیع انسانیت دست می یازد. بدین جهت تربیت عالیتین هدف پیامبران و اساسی ترین پیام کتب و اولین و ضروری ترین وظیفه والدین است. ضرورت و اهمیت تربیت، والدین را بر آن می دارد که به این مسوولیت بزرگ ارجی دو چندان نهند؛ برای ایفای درست آن خود را به صلاح و آگاهی از روش و فنون تربیت مجهز بسازند و بالگو گرفتن از مربیان موفق در انجام دادن این وظیفه مهم بکوشند. بی شک معصومان علیهم السلام موفق ترین مربیان و سیره قوی و عملی آنها مطمئن ترین الگو برای والدین در امر ظریف و پرپیچ و خم تربیت است. این مقاله بر آن است تا نکاتی از سیره تربیتی امام رضا (علیه السلام) در تربیت فرزند را یادآوری کند و گامی، هر چند ناچیز، در ترویج معارف اهل بیت بردارد.

سیره تربیتی امام رضا (علیه السلام)، با توجه به سفر آن حضرت به خراسان و دوری از کانون خانواده و نیز تک فرزندی چنانکه برخی از بزرگان قایلند بسیار قابل توجه است؛ چرا که تربیت فرزند یگانه آن هم از راه دور شیوه ای خاص می طلبد.

1- تدریجی بودن تربیت

تربیت جریانی مستمر و فعالیتی تدریجی است که نه مرز می شناسد و نه زمان و مکان؛ بلکه به درازای عمر است و به پهنای ابعاد وجودی عالم اکبر، یعنی انسان. درخت تربیت زود ثمر نمی دهد و نباید انتظار داشت یک شبه یا چند ماهه در امر ظریف و پیچیده تربیت معجزه انجام گیرد؛ بلکه باید از سالها قبل از تولد زمینه تربیت صحیح را فراهم کرد و بعد از تولد، بتدریج با صبر و حوصله، به انجام آن پرداخت. در سیره ائمه اطهار علیهم السلام و دیدگاههای آنان مسایلی چون انتخاب همسر شایسته، لزوم رعایت آداب ازدواج، توجه به مواقع و شرایط انعقاد نطفه، مراقبتهای ایام بارداری و ... حکایت از این نکته مهم دارد.

الف) انتخاب همسر صالح و شایسته

صفوان بن یحیی از امام رضا (علیه السلام) نقل کرده است که فرمود: هیچ سودی برای مرد بهتر از همسر صالح، که هنگام دیدن وی شوهر خوشحال شود و در غیاب شوهر نگهدار خود و اموالش باشد، نیست. همچنانکه زن باید صالح و شایسته باشد، مرد نیز باید شایسته باشد. بروالدین است که به کمک دخترانشان، شوهران شایسته و صالحی برای آنان انتخاب کنند. حسین بن بشار واسطی می گوید: خدمت امام رضا (علیه السلام) نامه نوشتم که یکی از بستگانم از دخترم خواستگاری کرده است، ولی مرد بد اخلاقی است. (آیا صلاح هست که دخترم را به ازدواج او در آورم؟) حضرت فرمود: «اگر بد اخلاق است، دخترت را به ازدواج او در نیاور.»

ب) رعایت آداب ازدواج

بعد از انتخاب همسر شایسته، در طلیعه ازدواج باید مهمترین هدف ازدواج، که همان تربیت فرزندان صالح است، مورد توجه باشد و یاد خداوند متعال میهمان قلبهای پاک زن و مرد بوده و آنها باید، ضمن رعایت سایر آداب نکاح، از خداوند فرزند سالم و صالح طلب کنند. در کتاب شریف فقه الرضا، که به حضرت رضا (علیه السلام) منسوب است، در مورد اولین برخورد زن و مرد، خطاب به شوهر، چنین آمده است: هنگامی که زن به خانه تو وارد شد، پیشانی اش را بگیر؛ او را به طرف قبله بنشان و بگو: «خداوندا، او را به امانت گرفته ام و با میثاق تو بر خود حلال کرده ام؛ پروردگارا، از او فرزند با برکت و سالم روزی ام کن و شیطان را در نطفه ام شریک مساز و سهمی برای او قرار مده.»

ج) مراقبت های ایام بارداری

بعد از انعقاد نطفه، مراقبت های ایام بارداری بسیار مهم و ضروری است. توجه به وضعیت روانی همسر، گستراندن بستر آرامش در منزل و خارج آن و نیز تغذیه مناسب و سالم از ضرورت های این دوره است. علاوه بر غذای سالم و مقوی، استفاده از برخی میوه ها و خوراکیها می تواند در آینده کودک و شخصیت و صفاتش مؤثر باشد، بدین جهت، معصومان علیهم السلام بهره گیری از برخی خوردنیها در ایام بارداری توصیه کرده اند. محمد بن سنان از امام رضا (علیه السلام) نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «همسران باردارتان را کندر دهید؛ اگر حمل آنها پسر باشد، پاکیزه قلب و دانشمند و شجاع خواهد شد و اگر دختر باشد، خوش اخلاق و زیبا می شود و نزد شوهرش منزلت می یابد.»

ناگفته پیداست که این نوع خوراکیها علت تامه پدید آمدن این صفات نیست و عوامل دیگر هم مؤثر است.

2- اولین گام

بعد از تولد، کودک قدم به جهانی نو می گذارد. در اولین گام باید آوای توحید را در گوش نوزاد زمزمه کرد، فضای هستی اش را از نسیم خوش توحید و بندگی عطرآگین ساخت و با افشاندن بذر توحید سرزمین وجودش را از لاله های زیبای ذکر الهی سرشار کرد. امام رضا (علیه السلام) فرمود هنگام تولد فرزند در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویید.

3- نامگذاری

هر واژه ای حکایت از معنایی می کند. زیبایی و رکیک بودن واژه ها بستگی مستقیم به معنای آنها دارد. گرچه معنا امری اعتباری است و در نامگذاری چندان مورد توجه نیست؛ ولی هنگام به کار بردن آنها معانی ناخودآگاه تداعی می شود. نام نیکو مایه سربلندی و افتخار و نام زشت باعث سرشکستگی و احیانا احساس حقارت است. زیرا نام تا پایان عمر بانسان همراه است و فرد همواره با آثار خوب و بدش مواجه است. ائمه طاهرین علیهم السلام هم خود نامهای نیکو برای فرزندانشان بر می گزیدند و هم دیگران را بدین امر سفارش می کردند. امام هشتم شیعیان نام نیکوی محمد را بر فرزند دلبندش نهاد و از تاثیر این نام نیکو چنین پرده برداشت: «خانه ای

که در آن نام محمد باشد، روز و شبشان را با خیر و نیکی به پایان می‌رسانند.»

4- مراقبت از کودک

نوزاد انسان گلی نو رسیده است که بتدریج به رشد و شکوفایی می‌رسد. به ثمر نشستن گل به مراقبت دائمی باغبان نیاز دارد. والدین، بویژه مادر، باغبانان دلسوز زندگی اند و گلهای معطر زندگیشان به مراقبت همه جانبه آنان نیاز دارد. مراقبت از سلامت جسمانی، تغذیه مناسب، تامین آرامش و سلامت روانی و تامین نیازهای عاطفی نوزاد در رشد جسمانی، عاطفی و تکامل معنوی اش تاثیر بسزا دارد. به ویژه در نخستین روزهای زندگی که نوزاد، به خاطر بیگانگی با محیط جدید و ضعف و ناتوانی، به مراقبت و توجه افزونتر نیازمند است.

حکیمه خواهر امام رضا (علیه السلام) گفته است: وقتی زمان وضع حمل خیزران، مادر حضرت جواد (علیه السلام)، رسید، حضرت رضا (علیه السلام) مرا صدا زد و فرمود: هنگام وضع حمل، پیش او حاضر باش و همراه او و قابله درون اتاق برو. آنگاه حضرت چراغی در اتاق گذاشت و در آن را بست. هنگام وضع حمل خیزران چراغ خاموش شد و او ناراحت گردید. در این وضعیت بودیم که حضرت جواد (علیه السلام) به دنیا آمد در حالی که بر روی او چیز نازکی مانند پارچه بود، نورش تمام اتاق را روشن کرد و ما به آن نگاه می‌کردیم. آنگاه او را در آغوش گرفتم و آن پرده را از او جدا کردم. در این هنگام امام رضا (علیه السلام) آمد، در اتاق را باز کرد، جواد (علیه السلام) را گرفت، در گهواره گذاشت و به من فرمود: «یا حکیمه الزمی مهده»؛ حکیمه مراقب گهواره اش باش ...

5- کودک و سلامتی

از ویژگیهای دین اسلام تاکید بر پرورش همه ابعاد زندگی انسان است. هر چند در تربیت اسلامی پرورش ابعاد معنوی هدف اصلی و نهایی است؛ اما دستیابی به آن هدف بزرگ در پرتو داشتن جسمی سالم و روانی با نشاط امکان پذیر است. در سیره تربیتی امام رضا (علیه السلام)، علاوه بر تاکید بر سایر ابعاد، به رعایت بهداشت، تغذیه سالم و نیز عوامل غیر مادی مؤثر در سلامتی مانند صدقه و عقیقه توجه خاص شده است. آن حضرت، در بخشی از مطالبی که برای مامون نوشت، چنین نگاشت: عقیقه کردن برای پسر و دختر، نامگذاری، تراشیدن موهای سر نوزاد در روز هفتم و معادل وزن موها طلا یا نقره صدقه دادن لازم است. در سخن دیگری به نقل از پیامبر اکرم (ص) فرمود: فرزندان را در روز هفتم ختنه کنید؛ زیرا ختنه باعث پاکی

بیشتر و رشد سریعتر آنان می شود.

علاوه بر اینها، تغذیه سالم و مقوی فرزند مورد توجه حضرت بود. یحیی صنعانی می گوید: در منی بر حضرت رضا (علیه السلام) وارد شدم، در حالی که جواد (علیه السلام) در دامن حضرت نشسته بود و حضرت به او موز می داد.

6- صحبت با کودک

قدرت درک کودک اندک است و توان فهم معانی کلمات را ندارد. در عین حال سخن گفتن با او نشانه توجه والدین به اوست. کودک این توجه رانوعی اظهار محبت و ابراز عاطفه می داند و با تمام ضعف و نقصان، گاه با لبخند و زمانی با حرکات دست و پا به آن پاسخ می دهد. علاوه بر این، مشاهده چگونه سخن گفتن والدین، به ویژه حرکات لب، زمینه مساعدی برای آموزش سخن گفتن کودک پدید می آورد. کلیم بن عمران می گوید: به امام رضا (علیه السلام) گفتم: از خدا بخواه به توفرنندی دهد. حضرت فرمود: من صاحب یک فرزند می شوم و او وارثم خواهد شد. هنگامی که امام جواد (علیه السلام) به دنیا آمد، حضرت رضا (علیه السلام) به اصحابش فرمود: فرزند من به دنیا آمد که شبیه موسی بن عمران شکافنده دریاست و مانند عیسی بن مریم مادرش پاک و مطهر است. راوی در ادامه می گوید: و کان طول لیلته یناغیه فی مهده؛ حضرت در تمام طول شب با او صحبت می کرد.

7- محبت

محبت داروی شفابخش دردها، تسکین دهنده قلبهاست و بهترین راه حل مشکلات و ناسازگاریهای تربیتی است. محبت بجا، در هر مکان و زمان و در هر مقطع و سن، وسیله ای کارآمد و مؤثر است. همگان، در هر سن و موقعیت، به عاطفه و محبت نیازمندند؛ اما کودکان، نوجوانان و جوانان بیش از دیگران تشنه جام زلال محبتند. رفتار نابجا و ناقصشان را محبت اصلاح می کند و ناسازگاری و پرخاشگری نابجایشان را داروی محبت از میان می برد. آری، با محبت می توان بسیاری از گره ها را گشود و راههای ناهموار را هموار کرد. امام رضا (علیه السلام) از این شیوه مؤثر تربیتی به شکلهای گوناگون بهره می گرفت.

گاهی اوج محبت خود را در قالب جمله زیبای «بابی انت و امی» (پدر و مادرم به فدایت) نشان می داد و زمانی او را در آغوش می گرفت، به سینه خود می فشرد و می بوسید. اباضلت می گوید: هنگامی که جواد (علیه السلام) بریستر شهادت پدر وارد شد، حضرت رضا (علیه السلام) از بستر برخاست، به سوی او رفت، دست برگردنش انداخت، او را به سینه فشرد، میان دو چشمش را بوسید و با او سخن گفت... محبت کلید حل بسیاری از مشکلات تربیتی است. گاهی والدین در مقابل اصرار زیاد کودکان بر خواسته های غیر معقول یا غیر ممکن، رفتاری تند و نامناسب ابراز می کنند؛ ولی حتی در چنین موقعیتی رفتار محبت آمیز مناسبتر و مؤثرتر است. امیه بن علی نقل می کند: در سالی که امام رضا (علیه السلام) حج به جای آورد و سپس به خراسان رفت، من در مکه همراه امام (علیه السلام) بودم و امام جواد (علیه السلام) نیز همراهش بود. امام (علیه السلام) با خانه کعبه وداع کرد.

وقتی طوافش تمام شد، به طرف مقام (ابراهیم) رفت و در آنجا نماز گزارد. جواد (علیه السلام) که خردسال بود، بر دوش موفق (غلام حضرت) طواف داده می شد. جواد (علیه السلام) به طرف حجر (اسماعیل) رفت، در آنجا نشست و این امر مدتی طول کشید. موفق به او گفت: جانم به فدایت باد، برخیز. او فرمود: بر نمی خیزم تا وقتی که خدا بخواهد و در چهره اش غم نمایان شد. موفق خدمت امام رضا (علیه السلام) آمد و گفت: جانم به فدایت باد، جواد (علیه السلام) در حجر نشسته، بر نمی خیزد. امام رضا (علیه السلام) به طرف جواد (علیه السلام) آمد و فرمود: برخیز، ای حبیب من. جواد (علیه السلام) فرمود: چگونه برخیزم، درحالی که شما با کعبه چنان وداع می کنید که گویا هرگز به سویش باز نمی گردید! (برای بار سوم) امام رضا (علیه السلام) فرمود: برخیز، ای حبیب من. جواد (علیه السلام) برخاست.

از این حدیث شریف در می یابیم که امام رضا (علیه السلام) در مقابل اصرار جواد (علیه السلام) هرگز به او تندی نکرد؛ بلکه با جملات محبت آمیزی چون «قم یا حبیبی» و صبر و حوصله فرزند خردسالش را قانع کرد.

8- احترام

بی شک هر انسانی در هر مقطع سنی، با توجه به برداشتی که از ارزش و منزلت خویش دارد، برای خود احترام و شخصیت قایل است. هر انسانی خود را دوست دارد و دوست دارد که مورد احترام دیگران واقع شود. کودک و نوجوان نیز هر چند به رشد اجتماعی و عقلانی کافی نرسیده است؛ اما برای خود احترام قایل است. بدین جهت رفتار احترام آمیز والدین و مربیان نقش مؤثری در تربیت و رشد او دارد.

امام رضا (علیه السلام) برای جواد (علیه السلام) احترام بسیار قایل بودند و از این شیوه مؤثر در تربیت فرزند بسیار بهره می برد. محمد بن ابی عباد، که به تصویب فضل بن سهل امور نگارش حضرت رضا (علیه السلام) را به عهده گرفته بود، می گوید: حضرت رضا (علیه السلام) همواره از فرزند بزرگوارش محمد با کنیه (که نزد عرب

علامت بزرگداشت و احترام است) نام می برد و می فرمود: ابوجعفر به من چنین نوشت و من به ابوجعفر چنین نوشتم. با آنکه امام جواد (علیه السلام) در مدینه به سر می برد و کودکی بیش نبود، حضرت رضا (علیه السلام) وی را بسیار احترام می کرد و نامه هایی که از حضرت جواد به وی می رسید، با کمال بلاغت و نیکویی پاسخ می داد...

9- تشویق

تشویق در تربیت کودک و نوجوان بسیار مؤثر است. تشویق بجا و مناسب در فرزندان ایجاد انگیزه و شوق می کند و آنان را برای انجام کارهای بزرگترآماده می سازد. در واقع تشویق نردبان پیشرفت و موفقیت آنهاست. بدین جهت این شیوه نیز مورد توجه حضرت رضا (علیه السلام) بود. زکریا بن آدم می گوید: خدمت امام رضا (علیه السلام) بودم که حضرت جواد (علیه السلام) را نزد ما آوردند. او، که حدود چهار ساله بود، دستها را بر زمین نهاد و سرش را به طرف آسمان بلند کرد و به فکر فرو رفت. امام رضا (علیه السلام) به او فرمود: جانم به فدایت باد، در چه موضوعی چنین اندیشه می کنی؟ فرمود: در آنچه نسبت به مادرم فاطمه (س) انجام داده اند. به خدا قسم، آنها را از قبر بیرون می آورم، می سوزانم و خاکسترشان را به دریا می ریزم. امام رضا (علیه السلام) (در مقابل کار نیکویش) او را به خود نزدیک ساخت، بین دو چشمش را بوسید و فرمود: پدر و مادرم به فدایت باد، تو برای مامت شایستگی داری.»

10- نظارت والدین

زندگی صحنه درس و تجربه است. آنانکه بیشتر عمر خود در کسب تجارب صرف کرده اند، در رویارویی با دشواریها ازتوان فزونتر برخوردارند. کودکان و نوجوانان بهره کمتری از تجربه دارند و بدین سبب به نظارت و کمک والدین نیازمندترند. نظارت مستمر و حساب شده بروضعیت اخلاقی، تحصیلی و رفتاری فرزند یک ضرورت انکارناپذیر در امر تربیت است؛ البته این نظارت باید منطقی و حتی الامکان غیر مستقیم و بجا باشد. نکته مهم این است که نظارت به مواقع حضور والدین، به ویژه پدر، در کانون خانواده اختصاص ندارد؛ بلکه حتی وقتی پدر برای مدتی از کانون خانواده فاصله می گیرد و حضور فیزیکی ندارد، باید همچنان از وضعیت فرزندانش آگاه باشد و بر کار آنها نظارت کند. سفارشهای پیش از مسافرت و مکاتبه با فرزند در طول سفر، امری ضروری و کارساز است. حضرت رضا

(علیه السلام) که به سبب ستم فرمانروایان ناگزیر مدتی دور از وطن و خانواده به سر برد، به شکلهای گوناگون همچون نامه و پیامهای شفاهی از دور بر وضعیت فرزندش جواد (علیه السلام) نظارت می کرد و راهنماییهای لازم را به وی ارائه می دادند. چنانکه پیش از رفتن به خراسان درباره فرزندانش آنچه شایسته می نمود، سفارش کرد. اشاره به دو نمونه از رفتار آن حضرت در این زمینه بسیار سودمند می نماید:

الف) قبل از سفر

ابی محمد و شاء از امام رضا (علیه السلام) نقل کرد که حضرت فرمود: هنگامی که خواستم از مدینه به سوی خراسان حرکت کنم، اهل و عیال خود را جمع کردم و از آنها خواستم که با صدای بلند بر من بگویند. سپس دوازده هزار دینار بین آنها تقسیم کردم و گفتم: من هرگز به سوی شما بر نمی گردم. سپس دست جواد (علیه السلام) را گرفتم، وارد مسجد پیامبر (ص) شدم، دست او را بر قبر گذاشتم و از رسول خدا (ص) نگهداری اش را طلب کردم. جواد (علیه السلام) (رازکارم را) دریافت و گفت: پدر و مادرم به فدایت، به سوی دشمن می روی؟ حضرت همه و کلاء و خدام خود را سفارش کرد که به سخنان جواد (علیه السلام) گوش فرادهند، از اطاعت کنند، با او مخالفت نورزند و بعد از وفات من به وی بگویند. و آنها را آگاه کردم که او امام بعد از من و جانشین من است ...

ب) بعد از سفر

ابن ابی نصر می گوید امام رضا (علیه السلام) در نامه ای به حضرت جواد (علیه السلام) چنین نوشته بود: ای اباجعفر، به من اطلاع دادند که خدام، هنگام خروج شما از خانه، شما را از در کوچک بیرون می برند و این به خاطر بخل آنهاست تا از شما به کسی خیری نرسد؛ (فرزندم) به حقی که بر گردن تو دارم، از تو می خواهم که ورود و خروجت فقط از در بزرگ باشد. هنگامی که خواستی از خانه خارج شوی، همراه خود طلا و نقره داشته باش و هر که از تو چیزی خواسته، عطا کن. اگر عموهایت از تو طلب کمک کردند، کمتر از پنجاه دینار عطا نکن و بیشتر از آن به اختیار توست. اگر از عمه هایت کسی از تو کمک خواست، کمتر از بیست و پنج دینار بده و بیشتر از آن به اختیار توست. (فرزندم)، این سفارش من به خاطر رشد و رفعت مقام توست، پس به دیگران انفاق کن و از خدای صاحب عرش، ترس فقر و تنگدستی نداشته باش.

11- خود اتکایی

توجه به استقلال و خوداتکایی از نکات مهم تربیتی است. همگام با رشد جسمانی و افزایش سن، توقعات و انتظارات مردم از کودک افزایش می یابد و او باید خود را برای ایفای نقش در جامعه آماده سازد. از طرفی وابستگی فرزند به والدین، به ویژه پدر، نه مطلوب است و نه همواره ممکن. زیرا امکان پیش آمدن موقعیت ویژه و محروم شدن فرزند از کمک والدین انکارناپذیر است. بنابراین، والدین باید ضمن نظارت صحیح و حساب شده به تدریج زمینه استقلال و خود اتکایی را در فرزندانشان به وجود آورند و باواگذاری مسوولیت بدانان قدرت اداره زندگی را در آنها تقویت کنند.

از نکات بسیار زیبای سیره تربیتی امام رضا (علیه السلام) توجه به این امر مهم است. آن حضرت به خوبی برای فرزندش جواد (علیه السلام) آینده نگری فرمود و چون می دانست فرزندش در نوجوانی مسوولیت بزرگ رهبری جامعه اسلامی را به عهده می گیرد با واگذاری مسوولیتها به وی قدرت مدیریت و رهبری را در او تقویت کرد. امام هشتم (علیه السلام)، هنگامی که در مدینه بود، اداره امور خویش را عملاً به فرزندش وا نهاد و حضرت جواد (علیه السلام)، باینکه کودک و نوجوان بود، به خوبی از عهده این امر برآمد. حنان بن سدیر می گوید: ... پیوسته حضرت جواد (علیه السلام) با اینکه کودک و نوجوان بود، اداره امور حضرت رضا (علیه السلام) را در مدینه به عهده داشت و به خادمان حضرت امر و نهی می کرد و هیچ یک از خدمتگزاران با وی مخالفت نمی کرد. این سخن بدان معناست که حضرت جواد (علیه السلام) به خوبی مدیریت می کرد و آنها با او مخالفت نمی کردند.

12- پرورش بعد عقلانی

تربیت باید همه جانبه باشد. پرورش بعد عقلانی و شکوفاساختن استعداد منطق و استدلال در فرزند یکی از مهمترین ابعاد تربیت است. منطقی بار آوردن فرزند سبب می شود درست بیندیشد، منطقی تصمیم بگیرد، منطقی رفتار کند و در صورت لزوم، بی هیچ هراسی از دیدگاهها و رفتارهای خود دفاع کند. سیره تربیتی حضرت رضا (علیه السلام) از این منظر نیز الگویی کامل برای همه رهروان آن حضرت است. بنان بن نافع نقل می کند که روزی مامون از جایی که حضرت جواد (علیه السلام) با کودکان بازی می کرد، می گذشت. کودکان از ترس میدان بازی را ترک کردند و تنها جواد (علیه السلام) آنجا ایستاد. مامون از او پرسید: چرا همراه بچه هافرار نکردی؟ فرمود: گناهی مرتکب نشدم تا از ترس بگریزم و جاده هم تنگ نیست تا آن را برای باز کنم، از هر جا می خواهی عبور کن. مامون (از این پاسخ تعجب کرد و) پرسید: تو کیستی؟ حضرت در جواب فرمود: من محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام هستم ...

